خبرخوان

محرومیت ۵۰ درصد موالید کشور از شیر مادر

ایسنا: رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت با بیان اینکه سالانه حدود یک میلیون موالید در کشور متولد می‌شوند اما ۵۰ درصد مادران، نوزادان خود را از شیر مادر محروم می‌کنند، گفت: «فرهنگ‌سازی برای خانواده‌ها و مادران بسیار ضروری است و آنها باید به این باور برسند که هیچ مؤلفه‌ای به‌جز شیر مادر برای سلامت مادران و نسل آینده مفید نیست». صابر جباری با بیان اینکه تغذیه با شیر مادر در دستورات دینی کشور ما یک موضوع مهم است، افزود: «دو قانون «ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی» و «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۴۰۰ به تصویب رسیده‌اند». او ادامه داد: «این قانون‌ها تلاش کرده‌اند تدابیر ویژه‌ای در قالب تکالیف برای دولتمردان و سیاست‌گذاران وضع کنند. موضوع مهم و اساسی این است که شیر مادر در زمینه سلامت مادران و نسل آینده نقش دارد و ما در وزارت بهداشت بتوانیم با استفاده از تغذیه شیر مادر به سلامت مادران و نسل آینده و همچنین جوانی جمعیت دست یابیم». رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت با بیان اینکه بدون اندیشیدن به سلامت مادران نمی‌توان به جوانی جمعیت فکر کرد، توضیح داد: «وظایف متعددی در قانون‌های «ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی» و «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» تعریف شده و ما دولتمردان وظیفه داریم به‌خوبی موارد مطرح‌شده را تدبیر کنیم. به طور قطع، اجرای این دو قانون می‌تواند سبب سلامت مادران و نسل آینده شود». جباری با بیان اینکه تشکیل کمیته‌های تخصصی از مفاد مطرح‌شده در دو قانون «ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی» و «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» است، ادامه داد: «کمیته‌های تخصصی به منظور ترویج صحیح و دقیق تغذیه با شیر مادر در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور تشکیل شده‌اند. هدف از تشکیل کمیته‌های تخصصی این است که فقط نوزادانی که تغذیه آنها با شیر خشک از نظر علمی تأیید شده از شیر خشک تغذیه کنند». او با بیان اینکه متأسفانه تغذیه با شیر خشک به یک موضوع رایج تبدیل شده است، گفت: «سالانه حدود یک میلیون موالی در کشور متولد می‌شوند اما ۵۰ درصد مادران، نوزادان خود را از شیر مادر محروم می‌کنند». جباری درباره مرخصی مادران شیرده هم توضیح داد: «براساس قانون «ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی»، مدت‌زمان مرخصی مادران شیرده ۹ ماه است که این موضوع در «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» تأیید شده است. همچنین براساس قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مدت‌زمان مرخصی زایمان مادران دارای فرزند دوقلو یا بیشتر یک سال در نظر گرفته شده است». او درباره مرخصی ۱۵روزه پدران پس از زایمان همسر هم افزود: «حمایت روانی پدر در روزهای نخست شیردهی بسیار مهم و ضروری است و یکی از اهداف مرخصی ۱۵روزه پدران در روزهای زایمان همسر، حمایت آنها از خانواده است». رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت گفت: «مادران شیرده که در محل کار حضور دارند، می‌توانند یک ساعت زودتر محل کار خود را ترک کنند یا یک ساعت دیرتر در آنجا حاضر شوند. به عبارت دیگر، مادران شیرده می‌توانند روزانه از فرصت «پاس شیر» به منظور ترویج فرهنگ شیردهی استفاده کنند».

افزایش مطالبات معوق پرستاران به ۸ ماه

ایسنا: رئیس‌کل سازمان نظام پرستاری با بیان اینکه جامعه پرستاری پنج شهید در دوران جنگ ۱۲روزه به کشور تقدیم کرد، توضیح داد: «میزان معوقه پرستاران در حوزه کارانه و اضافه‌حقوق به هشت ماه افزایش یافته است». احمد نجاتیان درباره فراخوان سازمان نظام پرستاری برای حضور پرستاران داوطلب در عرصه خدمت‌رسانی در دوران جنگ ۱۲روزه توضیح داد: «حدود هزار پرستار در این فراخوان ثبت‌نام کردند تا در صورت طولانی‌ترشدن جنگ، نسبت به ارائه خدمات اقدام کنند. خوشبختانه عملکرد نظام سلامت به نحوی بود که هیچ کمبودی را در این عرصه مشاهده نکردیم».

نجتیان با بیان اینکه اسکان خانواده‌های پرستاران در بیمارستان‌ها از اقدامات دوران جنگ بود، گفت: «خانواده پرستاران در مراکز درمانی اسکان داده شدند تا آنها از پرستاران دور نباشند. جامعه پرستاری، پنج شهید در دوران جنگ به کشور تقدیم کرد. این احتمال وجود دارد که تعداد شهدای پرستار به دلیل حضور آنها در مجموعه‌های نظامی افزایش یابد و در انتظار دریافت اطلاعات نهایی درباره آنها هستیم». او با بیان اینکه پرستاران با مشکلاتی در زمینه تأمین بنزین در جنگ ۱۲روزه روبه‌رو شدند، گفت: «سازمان نظام پرستاری این موضوع را در نامه‌ای خطاب به وزیر نفت اعلام کرد، اما اقدامی در این زمینه نشد. به نظر می‌رسد می‌بایست به موضوعاتی از این دست بیندیشیم تا در شرایط مشابه بتوانیم اقداماتی را انجام دهیم». او با بیان اینکه سکان هدایت سازمان نظام پرستاری را هم‌زمان با روی کار آمدن دولت چهاردهم در دست گرفتم، توضیح داد: «آغاز فعالیت دولت چهاردهم با اعتراض‌های پرستاران همراه شد. میزان معوقه کارانه پرستاران در ابتدای دولت چهاردهم حدود ۹ ماه بود که این میزان در برخی استان‌ها به ۱۸ ماه می‌رسید. این موضوع سبب افزایش درخواست صدور «گوداستندینگ» برای مهاجرت و افزایش ترک موقعیت شغلی شد». نجاتیان ادامه داد: «پس از روی کار آمدن دولت چهاردهم، با اهتمام وزارت بهداشت به حوزه پرستاری، تلاش برای حل مسائل پرستاران به صورت جدی آغاز شد. بررسی‌ها بیانگر این است که میزان معوقات کارانه پرستاران تا عید نوروز سال جاری به شش ماه رسیده است». او با بیان اینکه افزایش دریافتی اضافه‌کاری پرستاران در آبان‌ماه سال گذشته عملیاتی شد، افزود: «میزان معوقه پرستاران تا عید نوروز سال جاری حدود چهار ماه بود و این در حالی است که این میزان در گذشته بیشتر بود. پرداخت افزایش دریافتی اضافه‌کار پرستاران از محل منابع عمومی تأمین شد. ۸۰ همت اعتبار به وزارت بهداشت اختصاص یافت که بخشی از بدهی‌ها پرداخت شد». رئیس سازمان نظام پرستاری با بیان اینکه میزان معوقات پرستاران به دلیل شرایط جنگی اخیر افزایش یافته است، گفت: «میزان معوقات پرستاران در حوزه کارانه و اضافه‌کار به هشت ماه رسیده است. امیدوارم با بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور، این مشکل نیز حل شود. ما با یک مسئله بزرگ و فراتر از وزارت بهداشت در نظام تصمیم‌گیری کشور مواجه هستیم و به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد را به سیاست‌گذاری مبتنی بر تعطیلی تبدیل کرده‌ایم؛ یعنی به‌جای پیش‌بینی و ارائه راهکارهای بلندمدت، به تعطیلی روی آورده‌ایم».

تحلیل محتوای رسانه‌های کشور در انتشار اخبار و گزارش‌های مربوط به حمله اخیر اسرائیل به ایران

روایتگری در جنگ؛ زنان بیشتر به سراغ پیامدهای اجتماعی رفتند

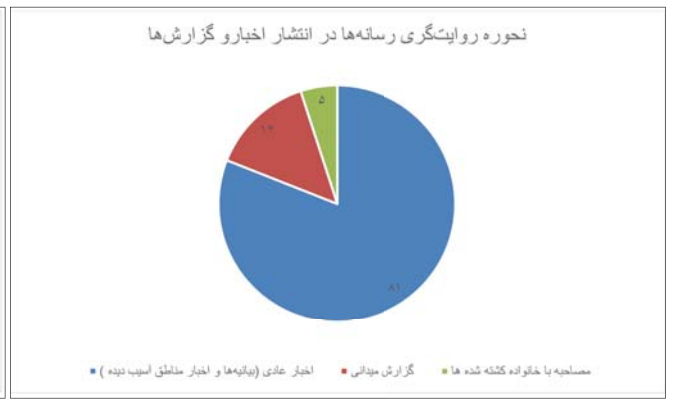

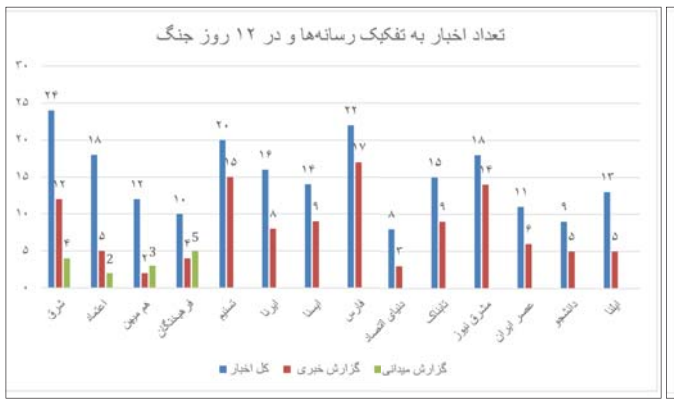

زهرا علی‌پور: بررسی حدود ۸۰۰ خبر و گزارش از رسانه‌های فارسی داخلی در زمان حمله اسرائیل به ایران نشان داد دو نوع صدای متفاوت در پیام رسانه‌های ایرانی وجود داشت؛ رسانه‌های رسمی با ادبیات انتقام و ملی‌گرایی، گزارش‌ها و اخبار جنگ را تهیه می‌کردند، اما گروه رسانه‌های اجتماعی و مستقل، تمرکزشان را روی روایت زندگی غیرنظامی‌ها گذاشتند. این گروه با روایت زندگی روزمره تلاش کردند در لایه‌ای عمیق‌تر از توصیف تعداد کشته‌شده‌ها وارد شوند.

در این بررسی با تمرکز بر رسانه‌های رسمی (تسنیم، فارس و...) و در مقابل رفتار رسانه‌های میانه‌روتری مانند «شرق»، اعتماد و هم‌میهن را معیار قرار دادیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین حجم خبر در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (روز نخست حمله) با حدود ۷۳ خبر از مجموع ۱۳ رسانه منتشر شد. پس از آن در دومین روز در ۲۴ خرداد با ۵۴ خبر گزارش شد و از ۲۵ خرداد به بعد حجم انتشار به تدریج کاهش یافت و بیشتر به تحلیل و بررسی پرداخته شد.

سوژه‌های اجتماعی جنگ در دست زنان خبرنگار

خبرنگاران زن بیشتر در رسانه‌های مستقل‌تر و در قالب گزارش‌های میدانی و مصاحبه حضور داشتند؛ اما در رسانه‌های رسمی نوع روایت‌ها بیشتر به گزارش خبر و کمتر با نام خبرنگار بود. از حدود ۲۵۰ گزارش که نام نویسنده آن مشخص بود، مردان بیشتر اخبار مرتبط با جنگ را منتقل می‌کردند و زنان بیشتر تأثیرات اجتماعی و روانی و تأکید بر وجوه انسان‌محور قربانی‌ها را روایت می‌کردند.

از سویی دیگر، اگر کل روایت‌های رسانه‌ها را در کنار هم بررسی کنیم، بیشتر اخبار بنا به فوریت مسئله، بازنشر وضعیت بود و رفته‌رفته به سمت تحلیل‌های اجتماعی و عمیق‌تر پیش رفت. درنهایت وقتی رفتار رسانه‌های داخلی را کنار هم قرار می‌دهیم، می‌توان گفت چند نوع روایت را شاهد بودیم. گروه اول عمدتا رسمی و ملی‌گرایانه بود، با تأکید بر «تجاوز رژیم صهیونیستی» و «پیروزی استراتژیک ایران» در پاسخ‌های موشکی. به‌علاوه این گروه مخاطب‌هایشان را به پیگیری اخبار از رسانه‌های رسمی کشور تشویق می‌کردند. گروه دوم گزارش‌های میدانی محدود به مناطق آسیب‌دیده بود و مصاحبه‌ها بیشتر با خانواده‌های غیرنظامی‌ها بود. این گروه از خبرنگاران تمرکزشان را روی روایت‌های انسانی از غیرنظامی‌های جان‌باخته گذاشتند. علاوه بر مورد اخیر، این گروه هم‌زمان به ارائه راهکارهای مقابله با اضطراب و مراقبت از کودکان هم پرداختند. البته هر دو گروه هم بعد از آتش‌بس این رویه را ادامه دادند. نکته دیگر اما رفتار مشابه هردو گروه این رسانه‌ها درباره اخبار مرتبط با تجهیزات جنگی بود. در مقایسه با منابع بین‌المللی (مانند CNN و Al Jazeera که پوشش گسترده‌تری از حمله اسرائیل ارائه می‌کردند)، رسانه‌های ایرانی کمتر به جزئیات فنی (مانند استفاده از انواع بمب‌ها) می‌پرداختند و بیشتر به وحدت ملی توجه می‌کردند.

روزنامه‌نگاری بر شانه‌های زنان

ادامه از صفحه ۸

به نظر من یکی از برجسته‌ترین علل کم‌رنگ‌شدن حضور مردان در تحریریه‌ها به همین موضوع برمی‌گردد که آنها با تصمیم شخصی یا جبر جامعه مجبور شدند به سمت مشاغلی بروند که نان‌آوری بیشتری برایشان به همراه داشته باشد».

او همچنین به وظیفه روایتگری اشاره می‌کند: «منظر دیگری که می‌توان به آن پرداخت، از زاویه روایتگری است. گویی مردان از روایتگری خسته شده باشند، این زنان بودند که باز هم تا حد زیادی مبتنی بر همان وظایف و خصلت‌های الصاق‌شده به جنسیت‌شان، ماندند، صبوری کردند، شنیدند و روایتگری کردند. این دو دلیل در کنار هم از نگاه من تأثیر زیادی داشت تا به اینجا برسیم که تحریریه‌ها زنانه شوند؛ زنانی که ماندند تا حق‌شان را بگیرند.

با وجود اینکه در دهه‌های گذشته هم تعداد زنان روزنامه‌نگار کم نبود و از قضا تأثیر زیادی هم داشتند و بدنه مطبوعات را هم تشکیل می‌دادند. اما در تمام این مدت نتوانسته بودند از نظر مدیریتی حق خود را به دست آورند و «سقف شیشه‌ای» سبب شده بود که نهایتا از جایگاه دبیری بالاتر نروند».

با این حال این تغییرات از نگاه سردبیر روزنامه «شرق» ضرورتا مبارک هم نیست: «باوجوداین من نمی‌توانم به همه این تغییرات نگاه مبارکی داشته باشم؛ چراکه نگاه صاحبان مطبوعات در نهایت این‌گونه است که وضعیت درآمدی باعث شده تا مردان بروند و در نتیجه فضا برای زنان خالی شود. همین الان هم حقوق یک زن سردبیر روزنامه با یک کارگر مرد تفاوت چندانی ندارد. حرفم این است که کم‌رنگ‌شدن مردان در تحریریه‌ها ضرورتا اتفاق خوش‌یمنی نیست و نباید رویکرد فانتزی به آن داشته باشیم. بله، از نگاه من چراغ روزنامه‌ها الان به لطف زنان روشن مانده است. شما فقط به ۱۲ روز جنگ نگاه کنید، می‌بینید که زنان روزنامه‌نگار تا چه اندازه در ثبت‌وضبط و روایت‌گری آن روزهای هولناک نقش پررنگی داشته‌اند. اما همین هم می‌تواند در آینده تبعات خودش را داشته باشد و نیازمند آسیب‌شناسی است. آفت بزرگی که تهدیدمان می‌کند، این است که در آینده به اینجا برسیم که بگویند «روزنامه‌نگاری شغل زنانه است». تحریریه‌ها و مطبوعات و جان روزنامه‌نگاری برای پویایی و حیات مؤثر خود نیازمند تکثر است».

سهم زنان از تحریریه‌ها: ۶۰ درصد

«سعید ارکان‌زاده یزدی»، روزنامه‌نگار و پژوهشگر علوم ارتباطات اجتماعی، در تبیین فضای فعلی تحریریه‌ها چند قدم جلوتر هم می‌رود و آن را فراتر از استاندارد برابری جنسیتی می‌بیند: «رسانه‌های ایران همچنان که خود آینه جامعه‌اند، در نقش نهادهایی فرهنگی و اجتماعی، مناسبات درونی‌شان نیز آینه تمام‌نمایی از جامعه ایران است. وقتی هنوز در نهادهای فرهنگی و اجتماعی کشور مردسالاری و قیم‌مآبی و اقتدارطلبی دست بالا را دارد -با وجود تمام ترک‌هایی که بنیان مردسالاری را متزلزل کرده- چرا نباید در رسانه‌های ما این وضع حکم‌فرما باشد؟ حضور اثرگذار زنان در رسانه‌های ایران برای پیشرفت و توسعه کشور بسیار ضروری و فراتر از استاندارد «تنوع و برابری جنسیتی» در یک کسب‌وکار یا نهاد فرهنگی است. روزنامه‌نگاری کنج‌های تاریک را می‌کاود و ناراستی‌های پنهان‌شده و مسائل مغفول‌مانده را روی صحنه و به مرکز توجهات می‌آورد. روزنامه‌نگار در کشورهای رو به توسعه برای رسیدن به چنین اهدافی از ژرفای جان و جسمش و از اعماق تجربه زندگی‌اش در اجتماع مایه می‌گذارد. زنان روزنامه‌نگار می‌توانند مسائل و مشکلاتی را در عمق جامعه ایران دریابند که مردان روزنامه‌نگار، آن‌هم در جامعه‌ای به‌شدت جنسیت‌زده و پدرسالار، هرچه تلاش کنند، نخواهند توانست به طور کامل به درک و دریافت آن راه یابند؛ بنابراین حضور زنان در رسانه‌های ایران واجب و حیاتی است».

از نگاه او، نظام رسانه‌ای ایران اکنون در بسیاری از زیرشاخه‌های خود بر شانه‌های زنان ایستاده است: «به‌ویژه در رسانه‌هایی که به بودجه عمومی متصل نیستند. بودجه‌های عمومی و پول نفت هنوز می‌توانند بخشی از ساختارهای کهنه و روش‌های منسوخ را حفظ کنند؛ چنان‌که در رسانه‌هایی مانند رادیو و تلویزیون جلوه‌هایی از آن را می‌بینیم. حال آنکه در رشته ارتباطات دانشگاه‌های کشور اکثریت مطلق با دانشجویان زن است. بازدید از تحریریه روزنامه‌ها و سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها، حضور پررنگ زنان را نشان می‌دهد. سهم زنان در تحریریه‌ها در آخرین پیمایش انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران حدود ۶۰ درصد بوده است. در نشست‌ها و بازدیدها و رویدادهای خبری می‌توان تعدد زنان خبرنگار را به چشم دید. در کنار رسانه‌های رسمی، زنان در رسانه‌های بدیل مانند پادکست‌ها و حساب‌های کاربری حرفه‌ای و پرمخاطب در رسانه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها نیز نقش‌های پررنگی بازی می‌کنند. اما با وجود این حضور و کثرت، هنوز مردان در رسانه‌ها اثرگذاری و زور تصمیم‌گیری بیشتری از زنان دارند. سطوح بالای مدیریتی در رسانه‌ها در ید قدرت مردانه است. مدیران مسئول و سردبیران زن در رسانه‌های ایران کم‌تعدادند. بیشتر زنان در لایه‌های پایینی و میانی هرم نیروی انسانی رسانه‌ها حضور دارند، اما نوبت که به ارتقای شغلی می‌رسد، مردان در اولویت قرار می‌گیرند».

اما علت عقب‌ماندن از ساحت مدیریتی چیست؟ این پژوهشگر علوم ارتباطات اجتماعی دلایل آن را برمی‌شمرد: «یکی از دلایلی که می‌توان برای حضور کم‌رنگ زنان در لایه‌های بالای مدیریت رسانه‌ها برشمرد، ساختارهای غیررسمی ارتقا و رشد فردی است. خوشبختانه زنان کمتر تمایل یا تجربه زدوبندهای سیاسی و مالی را دارند و مدیریت‌شان در رسانه‌ها به نوعی روزنامه‌نگاری حرفه‌ای‌تر و پاکیزه‌تر می‌انجامد. اما دریغ که دبیر و سردبیر شدن در رسانه‌ها نیز مانند بسیاری از نهادهای دیگر، هنوز به‌جای شایستگی و لیاقت، می‌تواند تا حدود زیادی به رفاقت‌ها و حضور در محافل و دوره‌های غیررسمی در اماکنی فارغ از کار و دور از محیط کاری نیز ربط داشته باشد. زنان روزنامه‌نگار کمتر به چنین دوره‌ها و محافلی راه دارند و کمتر می‌توانند فقط به اتکای درستکاری و روابط رسمی محیط کاری، اعتماد مدیران عالی را برای ارتقا به دست آورند».

ارکان‌زاده به موانع دیگری نیز اشاره می‌کند: «سدهایی که در حوزه روابط انسانی بر سر راه روزنامه‌نگاران زن قرار می‌گیرد، گاهی ممکن است اصلا به چشم روزنامه‌نگاران مرد نیاید، اما برای زنان اموری ملموس و روزمره است. محض نمونه، حتی سبک زندگی و نوع پوشش زنان روزنامه‌نگار می‌تواند موانعی برای پیشرفت شغلی آنان ایجاد کند. هنوز بسیاری از عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور در دست نهادهای دولتی و عمومی است و حضور زنان روزنامه‌نگار در این فضاها با پوششی که خود میل دارند، به‌راحتی امکان‌پذیر نیست. آری، مسیرهای پیشرفت شغلی زنان مطلقا با مردان برابر نیست».

دراین‌میان اقتصاد ضعیف رسانه‌ها نیز مزید بر علت شده و به زنان روزنامه‌نگار بیشتر آسیب زده است: «دو دهه است که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای ضعیف نگه داشته شده و سرمایه و پول چندانی جذب رسانه‌های مستقلی که کار حرفه‌ای می‌کنند، نشده است. این ضعف اقتصادی اثر شدیدی بر دستمزدهای روزنامه‌نگاران گذاشته است. روزنامه‌نگاران قشری با دستمزد بسیار پایین باقی مانده‌اند که با وجود تحصیلات دانشگاهی بالا و انرژی بالایی که برای حرفه‌شان می‌گذارند، حق‌الزحمه چندانی نصیب نمی‌برند. سنتی باقی‌ماندن ساختار اقتصادی بسیاری از خانواده‌ها که هنوز مردان را مسئول مستقیم تأمین هزینه‌های خانواده می‌داند، باعث شده است زنان روزنامه‌نگار بتوانند بیش از مردان با دستمزدهای پایین کنار بیایند. به‌علاوه با افزایش شمار درگاه‌های انتشار رسانه‌ها، از روزنامه‌نگاران خواسته می‌شود که با همان دستمزد پایین وظایف بیشتری مانند تولید محتوای آنلاین و ویدئویی نیز در کنار تولیدات متنی داشته باشند که زنان برای بقا در عرصه روزنامه‌نگاری، از گزند این کار اضافی بی‌مواجب دور نیستند».

روزنامه‌نگاری بر شانه‌های زنان

در گفته‌های ارکان‌زاده هم مرتبا مسئله کلیشه‌های جنسیتی خودنمایی می‌کند: «طبق یک سنت نادرست در رسانه‌ها که حکم می‌کند همه خبرنگاران در یک سطح ساختاریِ تحریریه دستمزد یکسان داشته باشند، یکی از معدود راه‌های افزایش دستمزدها در رسانه‌ها، ارتقا به سطوح بالاتر تحریریه مانند دبیری و سردبیری است. مردان اغلب بیش از زنان مستحق افزایش دستمزدها شناخته می‌شوند، بنابراین امکان بیشتری برای راهیابی به لایه‌های بالاتر رسانه دارند. برعکس، در مواقع بحرانی و هنگام اخراج و تعدیل نیروهای تحریریه، معمولا زنان در اولویت قرار می‌گیرند؛ چراکه به‌اشتباه این‌طور القا می‌شود که رکن اصلی تأمین هزینه‌های خانواده‌شان نیستند. این روندها سبب می‌شود معادلات دستمزدی نیز در رسانه‌ها به ضرر زنان روزنامه‌نگار باشد».

اما با همه این اوصاف، ما شاهد بودیم که چگونه بدنه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای به زنان وابسته شد: «با همه مشکلاتی که روزنامه‌نگاران زن در تحریریه‌ها دارند، حضور پرتعداد آنان و وابسته‌شدن تدریجی بدنه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای به زنان روزنامه‌نگار در دهه‌های اخیر، عرصه را برای حضور و پیشرفت زنان گسترده‌تر کرده است. اکنون می‌توان نام‌هایی از روزنامه‌نگاران زن ایران را برشمرد که سابقه سردبیری روزنامه‌های سراسری را دارند. شمار دبیران سرویس‌های خبری رسانه‌ها بسیار بیشتر است. زنان روزنامه‌نگار در سال ۱۴۰۱ و حوادث آن سال توانستند قابلیت‌های خود را بیش‌ازپیش به اثبات برسانند و این جنبش روزنامه‌نگار زنی را به جامعه ایران شناساند که نمادهای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای دوره خود شدند. پس از این جنبش، عرصه برای حضور حرفه‌ای زنان در رسانه‌ها تا حدودی هموارتر شد، همچنان که در تمام عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی حضور زنان سهل‌تر شد».

به اعتقاد ارکان‌زاده، می‌توان پیش‌بینی کرد که آینده رسانه‌های ایران از آنِ زنان روزنامه‌نگار باشد، چنان‌که در منظری وسیع‌تر، آینده ایران از آنِ زنان خواهد بود: «تجربه نشان می‌دهد زنان روزنامه‌نگار بیش از مردان در پی یافتن سوژه‌های ناب و مشکلات ریشه‌دارتر جامعه هستند و این ذوق و اشتیاق، موتور پیشران روزنامه‌نگاری حرفه‌ای آینده نیز خواهد بود. احتمالا حضور پرتعداد زنان روزنامه‌نگار در رسانه‌ها آنان را به آموختن مهارت‌های فنی و فرمی روزنامه‌نگاری در قالب‌های جدید ترغیب کند و مهم‌تر اینکه زنان به سراغ محتواها و سوژه‌هایی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بروند که اولویت زنان جامعه ایران باشد. همین انعکاس خواسته‌های زنانه جامعه در رسانه‌ها و از آن سو سرایت خواسته‌های برابری‌خواهانه از رسانه‌ها به جامعه می‌تواند موجب نزدیک‌ترشدن کل جامعه به انواع برابری‌ها از جمله برابری جنسیتی شود. البته قدرت‌گرفتن و پررنگ‌شدن نقش زنان در روزنامه‌نگاری مسئولیت آنان را بیشتر خواهد کرد، چراکه باید پا را از دایره مسائل زنان بیرون بگذارند و با گسترش وسعت نظر خود، به مسائل کل جامعه بپردازند».

خبر روز

هشدار تصادفات برای ایلام، کردستان و آذربایجان غربی

مهر: رئیس پلیس راهور فراجا با اشاره به آخرین وضعیت تردد و تصادفات زائران اربعین در روز دوازدهم طرح ترافیکی اربعین حسینی، از افزایش برخی شاخص‌های نگران‌کننده در تصادفات استان‌های مرزی خبر داد. تیمور حسینی گفت: «براساس داده‌های سامانه سماح، تا ساعت هشت صبح روز دوشنبه ۱۵ مرداد، تعداد ثبت‌نام قطعی زائران به حدود دومیلیون‌و ۶۰۰ هزار نفر رسیده است که ۵۹ درصد آنها را مردان و ۴۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند». او ادامه داد: «در میان مرزهای انتخابی، مرز مهران با سهم ۵۷درصدی همچنان در صدر قرار دارد، پس از آن مرز شلمچه با ۲۳ درصد، خسروی ۱۰ درصد، چذابه شش درصد، هوایی سه درصد و مرزهای تمرچین، باشماق و دریایی هرکدام با یک درصد در رتبه‌های بعدی هستند». رئیس پلیس راهور فراجا افزود: «از نظر سهم استانی در ثبت‌نام سامانه سماح، استان تهران با ۱۶ درصد، خوزستان ۱۲.۱ درصد، اصفهان ۱۰ درصد، خراسان رضوی ۹.۵ درصد، فارس ۵.۸ درصد، قم ۴.۹ درصد و کرمان ۴.۱ درصد بیشترین سهم را دارند. در چند روز گذشته، روند ثبت‌نام در استان‌های خوزستان، اصفهان، ایلام، قم، کرمان و کردستان نسبت به ابتدای ثبت‌نام و نیز در مقایسه با سال گذشته با رشد معناداری همراه بوده است». او افزود: «در بازه زمانی ۱۱روزه از چهارم تا چهاردهم مرداد ۱۴۰۴، تعداد کل وسایل نقلیه واردشده به محدوده مرزهای اربعینی به ۳۸۶ هزار دستگاه رسیده است که نسبت به مدت مشابه قمری سال قبل (۱۶ تا ۲۶ مرداد) یک درصد کاهش داشته، اما در ۲۴ ساعت اخیر شاهد افزایش ورود خودروها به‌ویژه در مرزهای مهران و خسروی هستیم». براساس اعلام او، در بازه زمانی ۱۱روزه از چهارم تا چهاردهم مرداد، در پنج استان مرزی اربعینی (ایلام، کرمانشاه، خوزستان، کردستان و آذربایجان غربی) تعداد فوتی‌های ناشی از تصادفات به ۷۷ نفر رسید که در مقایسه با مدت مشابه قمری سال گذشته، با افزایش سه‌درصدی (دو نفر) مواجه بوده است. تعداد مجروحان در این بازه هزارو ۷۸۳ نفر بوده که نسبت به سال گذشته با کاهش ۱۷درصدی (۳۵۸ نفر) همراه بوده است: «در این میان، فوتی‌های مرتبط با زائران پنج نفر بوده‌اند که در مسیر عزیمت به مرز مهران جان خود را از دست داده‌اند. این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل که هشت نفر فوت شده بودند، ۳۸ درصد کاهش داشته است. همچنین ۲۹ نفر از زائران در این بازه مجروح شده‌اند که نسبت به مدت مشابه سال قبل با کاهش ۴۳درصدی (۲۲ نفر) همراه بوده است. در مجموع، تعداد فوتی و مجروح زائران ۳۴ نفر اعلام شده که در مقایسه با سال گذشته، ۴۲ درصد کاهش نشان می‌دهد». به گفته او، تحلیل زمانی تصادفات نشان می‌دهد بیشترین سهم وقوع مربوط به این به بازه‌های زمانی است: ساعت ۱۶ تا ۲۰، ۲۵ درصد، ساعت ۲۰ تا ۲۴، ۲۳ درصد و ساعت هشت تا ۱۲، ۲۰ درصد. او ادامه داد: «نکته درخور تأمل، افزایش چهاردرصدی سهم تصادفات در بازه هشت تا ۱۲ صبح و افزایش دودرصدی در بازه ۱۲ شب تا چهار صبح نسبت به سال گذشته است. این موضوع نیازمند توجه بیشتر به کنترل محورهای مواصلاتی در این ساعات و تأکید جدی‌تر بر لزوم استراحت کافی و پیشگیری از خستگی و خواب‌آلودگی رانندگان است». براساس اعلام حسینی، بررسی مقایسه‌ای تصادفات فوتی در استان‌های مرزی در این بازه نسبت به مدت مشابه سال قبل، از افزایش نگران‌کننده تلفات در برخی استان‌ها حکایت دارد: ایلام ۹ فوتی (افزایش پنج نفر، ۱۲۵ درصد)، آذربایجان غربی ۱۷ فوتی (افزایش چهار نفر، ۳۱ درصد) و کردستان ۱۴ فوتی (افزایش چهار نفر، ۴۰ درصد). او افزود: «همچنین استان ایلام با ۱۴۶ مجروح، افزایش ۲۱نفری (۱۷ درصد) نسبت به سال گذشته را تجربه کرده که نیازمند اقدامات پیشگیرانه جدی‌تر و افزایش تمهیدات ترافیکی است».